

سرمقاله

سال آینده با زهم دشوارترین سال!

حفیظ الله ذکی

اگر پانزده سال گذشته را مورد بررسی قرار دهیم، افغانستان از لحاظ امنیتی همه ساله وضعیت بدتری را تجربه کرده است. وقتی به تیتروژنامه ها در پایان سال نگاه کنیم با این جمله ها معمولا برخورد می کنیم: بدترین سال برای خبرنگاران، خشونت بار ترین سال برای افراد ملکی، دشوارترین سال برای نیروهای امنیتی، خونین ترین سال برای مردم افغانستان.

این تیتروژنامه نشان می دهد هر سالی که می گذرد افغانستان با حوادث و رویدادهای امنیتی بیشتری مواجه بوده و رنج ها و دشواری های زیاده تری را متحمل می شود. این مسأله بیانگر آن است که اوضاع افغانستان همواره رو به وخامت بوده و ساحه و دامنه ناامنی همه ساله مناطق بیشتری را تحت تأثیر قرار داده است.

سال گذشته در همین روزها حکومت وحدت ملی از سال آینده به عنوان دشوار ترین سال برای افغانستان یاد کرد. امسال نیز با نزدیک شدن سال جدید نگرانی ها در مورد امنیت کشور افزایش پیدا کرده است. سؤال مردم این است که آیا حکومت در سال آینده می تواند ابتکار عمل را به دست گیرد و دشمنان مردم افغانستان را زمینگیر نماید، یا مانند گذشته نیروهای امنیتی حالت دفاعی در پیش گرفته و پس از وقوع حادثه وارد عمل می شوند؟

مقامات حکومتی از همین حالا هشدار می دهند که سال آینده دشوارترین سال برای افغانستان خواهد بود. این هشدارها می رساند که حکومت در سال جاری در سرکوب مخالفان ناکام بوده است، در حالی که حکومت وعده داده بود، تا پایان سال میلادی برچالش های امنیتی فایق خواهد آمد.

در یک و نیم سال گذشته که از عمر حکومت وحدت ملی می گذرد، این تنها مشکلات امنیتی نبوده که کارکرد حکومت را زیر سؤال برده است؛ بلکه دشواری های اقتصادی واجتماعی و کمزنگ شدن کنترل دولتی و گرفتاری جامعه به برخورد ها و رفتارهای انارشیک، تاب و توان حکومت را در اعمال اقتدار سیاسی اش به حد اقل رسانده است. امروز عملا در بسیاری از عرصه های اداری، اقتصادی، تجاری و اجتماعی حضور دولت به معنای واقعی اش احساس نمی شود. این پدیده هم دولت را در سردرگمی و بلاتکلیفی قرار داده و هم مردم را در فضای ناباوری مطلق بی سرنوشت رها کرده است. در سال جاری حکومت به مسؤلیت های اساسی خود عمل کرده نتوانست، از این رو پس از جنجال های انتخاباتی، که می بایست در به دست آوردن اعتماد مردم تلاش می کرد، با جلب حمایت های مردمی کسب مشروعیت سیاسی خود را جبران می نمودند، ناکام ماند. در حال حاضر یک خلأ کلان میان دولت و مردم ایجاد شده است. این خلأ از ناباوری و بی اعتمادی مردم به مقامات حکومتی از یک سو و از ضعف و ناکارایی حکومت از سوی دیگر نشأت گرفته است.

مردم از خود می پرسند که چرا مقامات حکومتی برای توجیه ضعف های خود همواره تهدیدها و نا امنی ها را برجسته می سازند؟ این چه نفعی برای مردم دارد؟ مردم ملکی، غیر مسلح، فقیر و گرسنه چگونه می توانند از خود در برابر تهدیدات محافظت نمایند. آیا این هشدارها خود به معنای بی مسؤلیتی و ناکارآمدی دولت نیست؟ آیا با این هشدارها حکومت می تواند از خود رفع مسؤلیت بکند و در آینده تمام ضعف ها و کاستی های خود را به ناامنی های مرتبط سازد که گویا پیشاپیش در باره آن هشدار داده بود. حال مردم در میان دو سنگ آسیاب گیر مانده اند. از یک طرف گروه های هراس افکن قلمروهای بیشتری از این سرزمین را ناامن می سازند و از طرف دیگر حکومت در حفاظت از جان و مال شهروندان ناتوان عمل می کند.

از اینرو تنها یک راه در برابر مردم باقی می ماند و آن انتخاب مسیر مهاجرت و ترک وطن است که آنهم با خطرات و ریسک های جدی همراه می باشد. بنابراین مقامات حکومتی بجای این که نسبت به آینده برای مردم هشدار بدهند، باید متوجه مسؤلیت های اساسی خود باشند و تدابیر مثبت و مؤثری در مقابله با تهدیدات احتمالی اتخاذ کنند. این حق مردم است که از حکومت چنین توقعی داشته باشند؛ ورنه فلسفه اطاعت از دولت مفهوم خود را از دست می دهد.

اشتباهات گذشته در مبارزه با تروریسم

رحیم حمیدی



حدود ۳۰ درصد خاک افغانستان را کنترل می کند. آن ها در گزارش خود آورده بود که از سال ۲۰۰۱ تا کنون گروه طالبان قادر به کنترل ۳۰ خاک افغانستان نبوده است. این برای اولین بار است که بعد از پانزده سال این گروه قادر به کنترل ۳۰ درصد خاک افغانستان می شود. گروه طالبان بزرگترین حامی شبکه القاعده بود. اکنون بعد از سال ها مبارزه مسلحانه ترین مسأله این است که جامعه جهانی و شبکه القاعده از سوی جامعه جهانی و حکومت افغانستان تلاش می شود که با گروه حامی شبکه القاعده وارد گفتگو شود و آن ها در ساختار و چارچوب قدرت حکومتی بیابند. حداقل ترین مسأله این است که جامعه جهانی و حکومت افغانستان در مبارزه با گروه طالبان به بن بست رسیده است. به عبارت دیگر، جامعه جهانی و حکومت افغانستان بعد از سال ها جنگ به این باور رسیدند که خشونت مسلحانه منجر به شکست گروه طالبان نمی گردد. با این حال، تلاش های صلح نیز تا کنون نتیجه ای در پی نداشته است. در تازه ترین گزارش منتشر شده از سوی سیگار آمده است که گروه طالبان در

تورویسم و گروه های حامی تروریسم نشده است. بعد از سال ها مبارزه با تروریسم و گروه های حامی آن هسا اکنون اما، تحول بنیادی در برخورد با تروریسم و گروه های حامی آن ها اتفاق افتاده است. زمانی که شبکه القاعده و شبکه القاعده جهانی را در نوپورک مورد حمله قرار داد، تروریسم و شاخه های مختلف آن مورد توجه ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو ناتو قرار گرفت. در آن زمان، رهبر شبکه القاعده در افغانستان سکوت داشت. رهبر شبکه القاعده و شبکه القاعده روابط تنگاتنگ با امارت اسلامی طالبان داشت و مورد حمایت آن هسا بود. زمانی که آمریکا از گروه طالبان خواست تا اعضای شبکه القاعده را از افغانستان بیرون کند گروه طالبان با خواست آمریکا مخالفت کرد. آمریکا به منظور سرکوب شبکه القاعده و گروه طالبان به افغانستان حمله نمود. از زمان حمله ایالات متحده آمریکا و کشور های عضو ناتو پانزده سال می گذرد اما، تا هنوز جامعه جهانی قادر به ریشه کن کردن

که نگارنده در مقاله های متعدد در همین روزنامه به بررسی گرفته است. وضعیت کنونی تا اندازه زیاد ناشی از اشتباهات حکومت افغانستان و جامعه جهانی در سال های نخست مبارزه با تروریسم بر می گردد. اولین و اساسی ترین اشتباه جامعه جهانی و گروه های شرکت کننده در کنفرانس بن امان دعوت نکردن جداز از گروه طالبان در این نشست بود. در آن زمان اتفاق نظر این بود که گروه طالبان دشمن مردم افغانستان و جامعه جهانی است. این مسئله موجب شد که در پانزده سال گذشته مبارزه با تروریسم تا حد زیادی به مبارزه با گروه طالبان به عنوان حامی شبکه القاعده خلاصه شود. بعد از سال ها مبارزه ما اکنون به اشتباه خود پی برده ایم. اشتباه دیگر نحوه برخورد حکومت افغانستان با گروه طالبان بود. در دوران حکومت حامد کرزی بیشترین سران گروه طالبان از زندان های افغانستان، پاکستان و زندان های تحت کنترل ایالات متحده آمریکا آزاد شدند. اما آزادی آن ها هیچ

استفاده از پول و شیوه های مقدس کردن آن

ایلمون/ برگردان شایسته مدنی/ قسمت اول

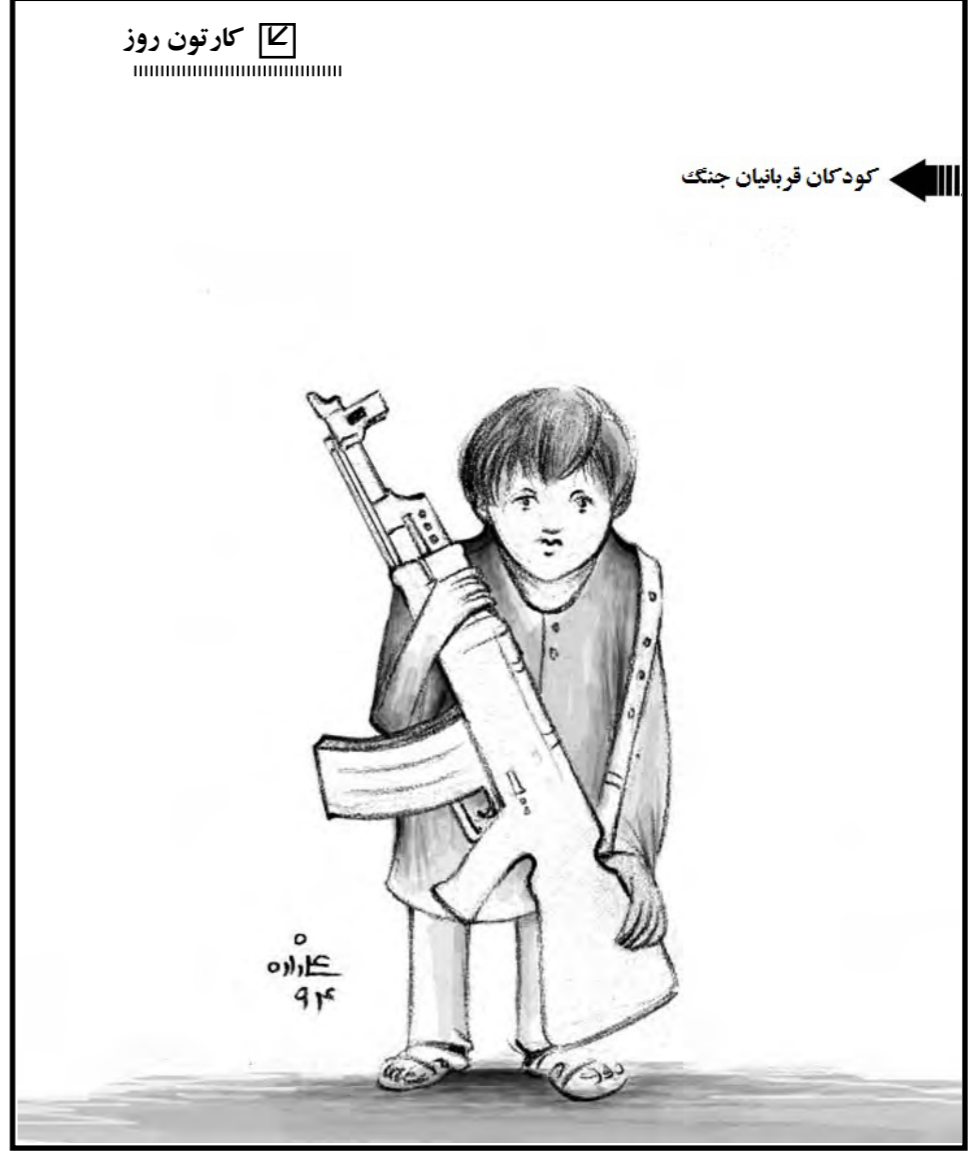


پول کائوتون [۱] آن را به مثابه مراسم یادبود توصیف کرده است (کائوتون، ۱۹۸۹). مراسم یادبود شیوهایی برای گروه های اجتماعی و ملی ارائه می کنند تا از جریان رویدادهای تاریخی و خاطرات انتخاب کنند تا تجربیات مقدس را به ذهن بیاورند. وقتی در این کار موفق می شوند که مراسم یادبود در حفظ هویت جمعی مشارکت کنند. یادگاری ها و طلسم های خوش شانسی به طور خاص به همین شیوه کار می کنند. نه تنها قالب مادی محبوب ترین تجربیات را به دارندگانشان می دهند، بلکه به مثابه بخشی از هویت آنها عمل می کنند. هر شیئی می تواند یک یادگاری یا طلسم خوش شانسی باشد و از زمانی که معنا آن شیء داده شود. هدایا اینطور نیستند. هدیه دادن یک نهاد اجتماعی است. حتی به طور کلی فرض بر اینست که هدیه یکی امر شخصی است که می بایست چیزی درباری کسی که آن هدیه را می دهد بگوید، شیوه ای که در آن داده شده است توسط هنجارها و اغلب الزام برگرداندن هدیه قرار دارد که لزوما می تواند شیئی مادی نباشد. فهم انسان شناختی اینست که کسی که یک هدیه می دهد، هدیه را به عنوان نشانه ای از ثروت عظیم برای رفاه دیگران نیز استفاده می کند. احتمالا انتظار دارد که اینکار هم به تروث مشروعیت بدهد و هم اینکه بتواند به رشد موقعیت منحصر به فردش در بازار کامپیوتر ماکروسافت ادامه دهد.

پول نیز کسب شود. استفاده از پول میتواند هم به شکل جمعی و هم فردی مقدس شود. هر راهی که انتخاب شود، هدف، مقدس کردن است یا مبادله پول نامتبرک برای یک چیز یا یک شیء که بازتابی مقدس دارد (دورکیم، ۱۹۹۵). در جامعه ای آمریکا، راسل بلک و ملانی والندورف (۱۹۸۸)، چهار نوع متفاوت از شیء را تعیین کرده اند که کیفیتی تومیک داشته و بدست آوردن هر کدام پول ملعون را مقدس می کند. نگاه آنها ارتباط گسترده ای دارد که سزاوار است در اینجا معرفی شود. اشیائی که توسط بلک و والندورف نام برده شده اند، عبارتند از یادگاری ها، طلسم های خوش شانسی، هدایا و کلکسیون ها. به علاوه آنها گسترش خیریه را در مقایسه با این اشیاء در نظر گرفته اند. از نظر بلک و والندورف، یادگاری ها، طلسم های خوش شانسی و هدایا تجسم تجربیات مقدس است. یادگاری ها و طلسم های خوش شانسی در این نسبت معنای ویژه ای دارند. برعکس هدایا همیشه اساسا شخصی هستند و بنیان تومتی آنها تنها با مالکشان صحبت می کند. یادگاری ها و طلسم های خوش شانسی نه تنها برای دارندگانشان یادآور نقاط روشنی از زندگی هستند، بلکه حتی به آنها اجازه می دهند این لحظات را دوباره و دوباره زنده کنند و آنها را قصادر میکنند تا در آینده آنها را احیا کنند. آنها رویدادهای گذشته را در زمان کنونی بازسازی می کنند و در این حالت است که با نوعی مناسک جمعی شبیه هستند که

پول، تروتی دنیوی است که در معنای کلی، برای چرخش و مبادله مناسب است. هرچند، ضروری نیست در همه احوال در این مقوله باقی بماند، اما میتوان به مقوله فداست صعود کند. لازم است یک مرحله ای گذرا توسط مناسکی شدن طی شود که پول را در حالت کلی، منفرد کند و به مثابه پولی کند که تنها برای صاحبش معنا دارد. در این حالت، «هدیه ویزهای» برای پول طراحی شده است (زلیزر، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۷، توماس و زانیک، ۱۹۵۸ و پولانی، ۱۹۵۷). در جامعه ای که رشد اقتصادی موجب شده است تا مصرف به نیکی تبدیل شود، مقدس شدن پول به طور وسیعی با شیوه هایی که در آن پول بدست می آید در پیوند است اما امروزه این امر میتواند از خلال استفاده ی

در بسیاری از کشورها این انتظار به شکل قانونی در میان قوانین مالیاتی شسناخته شده است که گفته خیرات و دهش، مالیات را کاهش می دهد. سومین شیوه برای مقدس کردن پول ملعون، همان کاری است که با جمع آوری کالاها و اجناس انجام می شود. هرچند برای رسیدن به این هدف هر کالایی مناسب نیست و مجموعه ها می بایست اشیائی باشند که پیش از این توسط جامعه و تاریخ شان مقدس شده باشند. مثالا شامل موضوعاتی است که توسط اشکال تاریخی و مشاهیر معاصر، برجسته شده باشند و همچنین اشیائی فرهنگی باشند که موقعیتی فرهنگی را بدست آورده باشند، از تمیرها و نخستین انتشارشان تا موضوعاتی متاخر مانند کتابهای کمدی مصور. موقعیت این موضوعات توسط آیین پرستش حمایت شده است که ارزش اخلاقی یا زیبایی آنها را بالا می برد تا حدی که به عنوان گنجینه ملی که «ارزش بیگران» دارند، شسناخته می شوند که غیرقابل فروش هستند و نمی توان بر آنها قیمت گذاشت. هرچند این مساله چندان واقعی نیست برای اینکه در موقعیتهای خاصی فروخته میشوند و قیمتشان آقدر بالاست که افراد کمی قادر به خریداری آنها هستند. تاجار از سوی دیگر ممکن است آنها را هم برای اهداف سرمایه گذارانه و هم با نگاهی به ارتقای تصویر همدلته شان بخرند. علی رغم ظاهر متفاوت، اما این سه نوع استفاده از پول منحوس که توسط بلک و والندورف توضیح داده شد، از یک الگوی اساسی پیروی می کند. هدف از مقدس کردن پول در نهایت مصرف زمل، مصارف از طریق کارکرد عمومی پول بدست می آید. از نظر معنای مبادله و میزان ارزش، پول به عقیده زمل، «بی رنگ» است. به نظر او، وقتی چیز دیگری جز موضوع کمی مطرح نباشد، پول همه ای تمایزات ظریفش را از دست می دهد. پول به سادگی و تنها به سوال «چقدر» پاسخ می دهد و پرسش هایی مانند «چگونه» و «چه چیز» را نادیده گرفته است (زمل، ۱۹۷۸). اما نه کاملا به نظر زلیزر (۱۹۹۸)، وقتی پول معنای مشترک مبادله باشد، عملکرد جدیدی را گسترش می دهد. این عملکرد از خودداری استفاده ی پول تا مقدس کردن بخشی از آن برای اهداف خاص است. این بیان، شیوه های متفاوتی از پس انداز کردن پول را می یابد زیر تشک، باز کردن حساب بانکی، یعنی کنار گذاشتن بخشی از پول برای اهدافی خاص.



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده
دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷